

هشتم مارس، روز همبستگی زنان جهان

هشتم مارس، روز همبستگی زنان جهان، روز تشدید مبارزات آنان به خاطر صلح، استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی و برابری حقوق در تمام عرصه‌های حیات جامعه است. هشتم مارس روز بسیج زنان برای رسیدن به اهداف عالی اجتماعی است. هشتم مارس فرستی است تا ارتش میلیونی زنان در سراسر جهان با آگاهی از نیرو و خلاقیت شگرف خود، در صحنه‌های مختلف زندگی اجتماعی و با جمع‌بندی مبارزات گذشته و برنامه ریزی برای آینده، سد موانع را بشکنند و راه به پیش بکشاید.

تاریخچه پیدایش این روز، به ۷۴ سال پیش بازمی‌گردد. در دومین کنفرانس بین‌المللی سوسیالیست‌ها که در سال ۱۹۱۰ در کپنهاگ تشکیل شد، پیشنهاد کلارا تسکین، مبارز برجسته جنبش زنان در مورد اعلام روزی به عنوان روز جهانی زنان در راه پیکار برای صلح و برابری به تصویب رسید. در این روز زنان کارگر با فتنه آمریکا در شهر نیویورک برای نخستین بار در هشتم مارس ۱۸۵۷ میلادی تظاهرات گسترده‌ای کردند و افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار و تنبیت آن به مدت ۱۰ ساعت در روز را خواستار شدند. پلیس دولت سرمایه‌داری، اجتماع زنان زحمتکش را به خاک و خون کشید. عده‌ای کشته و زخمی و تعداد زیادی دستگیر شدند.

روز هشتم مارس ۱۹۱۸ زنان آمریکا، طی تظاهرات رسمی خواست شرکت در انتخابات را مطرح کردند. ۱۰ سال بعد به منظور گرامی‌داشت خاطره این روز، در سراسر آمریکا جشن‌هایی برپا شد. نشریات و رسانه‌های گروهی مترقی صفحاتی بدین امر اختصاص دادند. علاوه بر زنان زحمتکش، زنان کلیه اقشار و طبقات دیگر نیز در این تظاهرات عظیم شرکت داشتند. پس از تعیین هشتم مارس به عنوان "روز جهانی زن"، ابتدا در کشورهای آلمان، اتریش، سوئیس، دانمارک و روسیه مراسمی برگزار شد. امروز زنان در سراسر جهان، چه در کشورهای سوسیالیستی چه در جهان سرمایه‌داری، بقیه در صفحه ۳

اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بمناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن

ظالمانه اجتماعی است. زنان میهن ما، پس از سالها سکوت و خفقان مرکب در دوران حکومت دیکتاتوری پهلوی، به برکت انقلاب بهمن ۵۷ (فوریه ۷۸) باردیگر امکان یافتند مراسم این روز را با شکوه هرچه تمام تر برگزار نمایند. توده‌های وسیع زنان، این روز را به عنوان روز کار و پیکار در راه ترقی و پیشرفت پذیرفتند. زمانی که جنگ میان ایران و عراق به ایزاری در دست امپریالیسم و ارتجاع، جهت پیشبرد اهداف توسعه طلبانه و منحرف نمودن مبارزات مردم در راه تحقق اهداف اساسی انقلاب بدل گردید، لزوم قطع جنگ و برقراری صلح عادلانه، به عنوان یکی از خواسته‌های عمده مبارزاتی زنان ایران در این روز مطرح شد. امروز، تحت شرایط خفقان حاکم بر میهن ما برگزاری روز ۸ مارس نیز، همانند سایر اشکال دمکراتیک مبارزه، به بهانه مغایرت آن با "شرع اسلام"، ممنوع اعلام شده و به منظور مقابله با استقبال توده‌های وسیع زنان و مسخ مضمون بقیه در صفحه ۲

هشتم مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن را، میلیون‌ها زن در سراسر جهان جشن می‌گیرند. در کشورهایی که بر موانع اصلی تکامل و پیشرفت اجتماعی غلبه کرده و تضادهای اساسی را به نفع زحمتکشان از میان برداشته‌اند، زنان در شاد و شاد مردان در جاده ترقی و به روزی گام برمی‌دارند. هشتم مارس در چنین جوامعی، روز جشن و سرور و بسیج نیروها در راه نیل به اهداف عالی اجتماعی است. زنان آگاه و پیشرو در کشورهای تحت سلطه نظام غارتگر سرمایه‌داری این روز را به روز تشدید مبارزات برای احقاق حقوق خود، پیکار در راه تأمین صلح و امنیت جهانی و رفاه اجتماعی، بدل ساخته‌اند. شرکت روز افزون زنان در جنبش جهانی صلح و مبارزه علیه مصادم جنگ افروزان، که به ابعدا غیر قابل تصویری رسیده است. در صفحات درخشان مبارزات آنان است. در کشورهای که خفقان و فشار دیکتاتوری بر آن‌ها حاکم است، هشتم مارس برای زنان، روز تجدید ایمان برای محو ستم طبقاتی و هرگونه مناسبات

زندگی دشوار زنان کارگر، در کوره‌پزخانه‌ها

را از درس و مدرسه محروم می‌سازد. برخلاف قانونی که در زمان شاه ملعون به تصویب رسیده و اکنون سردمداران ج ۱۰ بر اساس آن داور می‌کنند، در کوره‌ها به جای ۸ ساعت ۱۷ ساعت کار مداوم دنبال می‌شوند. زنان علاوه بر آن باید به امر خانه هم بپردازند و برای کاهش بار زندگی و فشار گرانی به کارهایی چون قالی بافی نیز مشغول شوند. به جرئت می‌توان گفت که آنان از ۲۴ ساعت شبانه روز، ۲۴ ساعت در رنج و عذابند. کار در کوره‌ها، بسیار مشقت بار و سنگین است. زنان کوره پزخانه در طول روز قالب‌های ۷-۸ کیلویی را از محلی به محل دیگر حمل می‌کنند. این کار سنگین حتی در زمان بارداری آنها هم ادامه دارد و به کودکان کم‌سال نیز تحمیل بقیه در صفحه ۲

قلم فرسایی درباره مقام "ولای زن" و ضرورت حضور دائم اودر کانون گرم خانواده و تربیت کودکان، در رج ۱۰ بازار گرمی دارد. خائنین به انقلاب و مردم، مزورانه چشم بر واقعیات تلخ زندگی زنان زحمتکش میهن ما می‌بندند. زنان کارگر کوره پزخانه‌ها از جمله این زحمتکشانند. بیش از بیست درصد کارگران کوره پزخانه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. تعداد کودکان بی‌گانه‌ای که بهترین سال‌های عمرشان در شرایط طاقت شکن کار در کوره پزخانه‌ها تیا می‌شود، به مراتب بیش از این است. فشار زندگی آنان را به فروش نیروی بازوان نحیفشان وامی‌دارد. اکثر کارگران کوره‌ها، به صورت فصلی کار می‌کنند و در فصل سرما به روستاهای زادگاه خود باز می‌گردند. این شیوه زندگی کودکان، آن‌ها

خجسته باد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

زندگی دشوار زنان کارگر، در کوره پزخانه‌ها

بقیه از صفحه ۱

می‌گردد. طبق قانون، زنان هنگام بارداری و کودکان به طور عموم تا رسیدن به سن قانونی از کار در شرایط سخت و سنگین معافند. ولی واقعیت این است که زنان کارگر، اغلب تا ماه نهم بارداری، در کوره‌ها کار می‌کنند. پس از زایمان نیز فشار و اجبار زندگی آنها را بلافاصله به کار و رنج می‌خوانند. این بار، مادر، گل نرسیده خود را هم در محیط آلوده کار به همراه دارد و به ناچار، او را در معرض انواع بیماری‌ها قرار می‌دهد. اکثر زنان کارگر، به دلیل گذران دوران سخت بارداری و زایمان غیر بهداشتی و تغذیه ناسازگار، دچار بیماری‌های مختلف از جمله کم خونی مزمن می‌گردند. بیماری‌های چشمی و پوستی نیز در میان کودکان بسیار رایج است.

کودکان کار و زحمت، این غنچه‌های غم زده و پژمرده از کار، اغلب در این فضای آلوده و ناسالم، برای بقای خود و خانواده زحمتکش خود، در حال جمع‌آوری خشت‌ها و یا حمل قالب‌های سنگین اند.

در منطقه کوره‌ها، درمانگاه و بیمارستان و حتی یک اتاق کمک‌های اولیه وجود ندارد. کارگران برای مراجعه به پزشک، ناچار به شهر می‌آیند و هزینه‌های سنگینی را متحمل می‌شوند. چهار دیواری که "خانه" زحمتشان نامیده می‌شود، اطلاقی به ابعاد حدود چهار در پنج متر است که محل خواب و پخت و پز آنان نیز به حساب می‌آید. در این محبس‌ها، خانواده‌های پنج‌الی ده نفری کارگران روزگار می‌گذرانند. آب آشامیدنی تصفیه نمی‌شود و شستشوی ظروف و تهیه غذا، تحت شرایط کاملاً غیر بهداشتی انجام می‌گیرد. نداشتن حمام بهداشتی نیز یکی از مشکلات عدیده کارگران است. هر کارگر بنا به ضرورت نحوه انجام کار، احتیاج مرم به شستشوی روزانه خود دارد. در حالی که استحمام ماهانه نیز به دشواری امکان می‌پذیرد. به همین جهت کارگران اغلب به بیماری‌های پوستی و کچلی دچار می‌آیند.

پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، دولت در تلاش با صاحبان کوره‌ها، ساختن حمام را از شروط اساسی ادامه کار آنان قرار داد. ولی نه تنها این امر پی‌گیری نشد، بلکه کارگران کوره‌ها به مرور از امکانات رفاهی دیگر، از جمله حقوق برخورداری از بیمه که کارگران ایرانی می‌بایست طولانی خود به دست آورده بودند، محروم گشتند. مردم ایران، خاطره مبارزات کارگران کوره‌پزخانه‌های تهران، اعتصابات وسیع آنان در سال‌های پس از کودتای شوم ۲۸ مرداد و پیش از انقلاب ۲۲ بهمن را هرگز فراموش نخواهند کرد. مطلب گویاتر از آن است که نیاز به تنفس داشته باشد. زحمتشان ما همواره برای احقاق حقوق خود تلاش کرده و می‌کنند. کارگران ایران به خوبی می‌دانند که دولت‌ها، موظفند قانون کار و سایر قوانین را به گونه‌ای تدوین کنند و به مرحله اجرا گذارند که شرایط مناسب برای کار، آموزش و

پرورش، بهداشت و سایر شئون زندگی کارگران بیش از پیش، فراهم گردد. این‌ها، نتایج است که زنان کارگر ما، هم‌پای مردان هم طبقه خود، بسا وحدت و تشکل، مطالبه می‌کنند و برای کسب و تثبیت آن مبارزه خواهند کرد.



به زن محروم ایرانی

با گیسوان خون و بنفشه

غم از ترنم ترانه‌های، بال می‌شود
در دوردست میهن دلم، خراش می‌شود؛
در سایه‌های شکسته لالایی
تصویر مادری
دیوار خواب را، قاپ می‌شود؛
در گرگ و میش درد،
انگار کبوتری گلو بریده
مشتی به بام باد می‌شود.

x x x

آنجا،

در باغ‌های سوخته سر زمین من،
زن در حجاب دود و شب
با گیسوان خون و بنفشه -
می‌لادگر به، ساز می‌کند
در اشک، شانه راست می‌کند
قلب شکافته فرزند را
در آفتاب، نشا می‌کند
آنکه چوپرچی،
- آن را -
بر شانه، استوار می‌کند.

م.ف. غزل
دی ۱۳۶۲

اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

بقیه از صفحه ۱

پیکار جوانانه، آن روز دیگری به عنوان "روز زن ایرانی" اعلام گردیده است.

زنان کشور ما، در جو پیگرد و سرکوب خونین نیروهای مترقی، تنها مجاز به شرکت در تشکلات های فرمایشی منسوب به حزب حاکم اند.

اعمال تزیینات و فشار، شکنجه‌های ددمنشانه و اعدام های بی‌رویه در مورد زنان مبارز، هیچگاه چنین ابعاد فاجعه آمیزی به خود نگرفته است. زنان پیکارجوی ایران، این روز بزرگ را که دست آورد جنبش جهانی زنان و نقطه عطفی در مبارزات حق طلبانه آنان است، در گروه‌های کوچک مخفی، در اتاق‌های در بسته و در سلول‌های زندان جمعی یا انفرادی و با شور انقلابی و ایمان راسخ به پیروزی نهائی برگزار می‌کنند. اعتقاد راسخ آنان به پیوند عمیق جنبش‌های زنان با مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه مردم تحت ستم ایران، به آنان شهادت می‌بخشد تا از این رو، به عنوان روزی که بشارت دهنده طبعه آزادی زنان از بند استعمار قرنها است، جهت محو ستم طبقاتی و اجتماعی، بهره جویند.

ما، فرا رسیدن این روز پر شکوه را به کلیه زنان جهان و ایران، شاد باش می‌گوئیم!

ما صمیمانه ترین درود های خود را تشار زنان آزاد های می‌سازیم که در ایران و در هر نقطه از جهان، در اسارت و زخمیان استبداد و تحت شکنجه‌های وحشیانه آنان بسر می‌برند!

درود به زنان میهنمان که با کوشش خستگی ناپذیر خود، همدوش با مبارزان راه آزادی ایران، در راه رسیدن به آمال ستم-دیدگان تلاش می‌کنند!

پایدار باد خاطره زنان قهرمانی که در راه رسیدن به استقلال، آزادی، صلح و ترقی اجتماعی در ایران و در جهان، جان خود را نثار کردند!

زنده باد هشتم مارس، روز همبستگی بین‌المللی زنان سراسر جهان!!

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

هشتم مارس ۱۹۸۴

پیام تبریک

حزب سوسیالیست استرالیا به مناسبت فرا رسیدن ۸ مارس روز جهانی زن پیام تبریکی به تشکیلات دمکراتیک زنان ایران ارسال داشته است.

در این پیام حزب سوسیالیست استرالیا، ضمن شاد باش فرا رسیدن این روز، جهت موفقیت تشکیلات دمکراتیک و زنان ایران در مبارزاتشان علیه ظلم و استبداد حاکم بر ایران آرزوی موفقیت کرده است.

۳۶۲ دلار کمک مالی هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان از لوس آنجلس.

هشتم مارس، روز همبستگی زنان جهان

بقیه از صفحه ۱

اری وجه در کشورهای در حال رشد، مراسمی به عنوان روز همبستگی زنان جهان برگزار می‌کنند. شعار اساسی زنان، مبارزه در راه صلح، برابری و ترقی اجتماعی است. در این بیان، مبارزات زنان در راه حفظ صلح و امنیت جهانی به ویژه در مقطع حساس کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ما در دورانی زندگی می‌کنیم که امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، با دست یازیدن به اقدامات ماجراجویانه، جهان را به لبه پرتگاه جنگ هسته‌ای کشانده است. دولت‌های مزدور و دست‌نشانده امپریالیسم، به دست‌آورد ستم‌آریبان خود، جنش‌های رهایی بخش خلق‌ها را در چهارگوشه جهان (از گرنادا گرفته تا لبنان) سرکوب می‌کنند و در این راه از هیچ جنایتی روی گردان نیستند. هم‌اکنون آب‌های آزاد جهان، جولانگاه ناوهای جنگی آمریکا است.

مبارزه برای استقرار صلح و تخصیص اعتبارات

کلان تسلیحاتی و جنگی به عمران و آبادی و تأمین رفاه اجتماعی به ویژه در میهن ما از اهمیت حیاتی برخوردار است و به عنوان یکی از مبهم‌ترین وظایف انقلابی در دستور روز مبارزان راه استقلال و آزادی ایران قرار دارد. جنگ ویرانگر و خانمان برانداز ایران و عراق که به مسلح هزاران هزار جوان و نوجوان ایرانی و عراقی بدل گشته، میلیون‌ها نفر را آواره ساخته، تأسیسات عظیم نفتی صنعتی ایران را نابود کرده و خسارات مادی عظیمی به بار آورده است. فقط و فقط در خدمت تأمین منافع امپریالیسم قرار دارد. زنان ایران خواهان قطع فوری جنس و استقرار صلح عادلانه است. این خواست جزئی از مبارزات میلیون‌ها زن در سراسر جهان است که علیه سیاست‌های جنگ طلبانه و ماجراجویانه امپریالیسم به مبارزه برخاسته‌اند و چهره کریه امپریالیسم را که برای حفظ منافع ناشروع خود امکان زندگی آزاد و رشد طبیعی را از میلیون‌ها زن و کودک سلب کرده است افشا می‌کنند.

امروز بخش اعظم زنان جهان، برای کسب حقوق برابر، هنوز راه دراز و دشواری در پیش دارند. تنها یک دهم درآمد جهان به زنان که نیمی از بشریت و یک سوم نیروی کار جهان را تشکیل می‌دهد، تعلق می‌گیرد. پنجاه درصد کل مواد غذایی جهان، توسط زنان تولید می‌شود. آنان بخش عظیمی نیروی کنشگری دنیا را تشکیل می‌دهند (در آفریقا شصت تا هشتاد درصد و در آمریکای لاتین چهل درصد) اما در سطح بین‌المللی، حقوق زنان، چهل تا شصت درصد از مردان کمتر است. از هر سه نفر بیسواد که روی کره زمین زندگی می‌کنند، دو نفر زن هستند.

مکتب سرمایه‌داری دختران را برای حرفه‌های سنتی زنان آموزش می‌دهد. به طور مثال در آلمان قد رال ۷۵ درصد از دختران تنها می‌توانند شانزده حرفه از میان پانصد حرفه موجود را انتخاب کنند. در دانمارک در برابر هر ۲۵ متخصص مرد، تنها یک زن متخصص وجود دارد. در جهان سرمایه‌داری که از حقوق بشر دم می‌زند، حقوق انسانی زنان به مقیاس وسیع نادیده گرفته می‌شود.

در میهن ما، نبرد برای سبب حقوق زنان، عمیقاً با جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک پیوند خورده است. سیاست دولت ج.ا.ی. در تجدید وابستگی اقتصادی ایران به سیستم سرمایه‌داری جهانی، همراه با تفکر عقب مانده قرون وسطایی آن، در کلیه شئون اجتماعی و فرهنگی جامعه، شرایط اسفناکی ایجاد کرده است. این سیاست ارتجاعی، به ویژه در مورد زنان ابعاد وحشتناکی کسب کرده است. آنچه در ایران در زمینه حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان و شیوه‌های وحشیانه سرکوب و شکنجه و اعدام زنان مبارز می‌گذرد، جز نفسی کلیه دست‌آورد های تمدن و فرهنگ بشری نیست.

گفتار و اعمال ارتجاعی و انسان ستیزانه حاکمیت ج.ا.ی. علی‌رغم ادعاهایشان تا زگی ندارد. هیئت‌ها در دوران تسلط فاشیسم در آلمان اعلام داشت:

"جای زن در آشپزخانه، کلیسا و کنسار کودکان است."

اما با آغاز جنگ و اعزام مردان به جبهه، زنان می‌بایست جای آنان را در کارخانه‌ها و مزارع بگیرند و وحشیانه استثمار شوند. فاشیست‌ها، در آن زمان نیز چون حکام ج.ا.ی. می‌گفتند: "امروز روزی نیست که از حقوق اجتماعی صحبت شود. امروز تنها جنگ است و بس." همان‌طور که حافظ شاعر بزرگ‌ما می‌گوید: چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند.

واقعیات به ما می‌آموزد که حل مسئله زنان، جدا از تحولات انقلابی اجتماع نیست و بدون محور (جامعه طبقاتی) و محور سیستم استثمار طبقاتی زن نخواهد توانست زنجیرهای اسارت را بگسلد و از برابری حقوق با مردان برخوردار شود. زنان ایران، همپای مردان میهن ما به مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و عمال داخلی آن و تفکر قشری واپس‌گرا ادامه می‌دهند و روز هشتم مارس را به رمز پیکار و حق طلبی خود بدل می‌سازند.

نبرد زنان شیلی، علیه دیکتاتوری...

بقیه از صفحه ۴

آن نیست. ما باید به خاطر به دست آورد نشان پنجگیم. تاریخ مبارزات مردم جهان پر از نمونه‌هایی است که زنان شیلی برای کسب پیروزی، از آن الهام خواهند گرفت.

علاوه بر بخش زنان کمیته ملی هم‌آهنگی سندیکاها، در رجا سازمانهای دیگر از بطن نهاد های مبارزاتی به وجود آمدند، که از آن جمله‌اند: کمیسیون دفاع از حقوق زنان، «دایره» مطالعاتی زنان در آکادمی اوپانیم مسیحی، کمیته حمایت از کودکانی که در اثر شرایط اضطراری صدمه دیده‌اند، اتحادیه‌های زنان در استان‌های ایالات مختلف، انجمن زنان شیلی و کمیته حمایت از زنان.

این تنها بخشی از سازمانهای بیشماری است که با هدف دفاع از حقوق زنان شیلی در شرایط دیکتاتوری فاشیستی، فعالیت می‌کنند. هشتم مارس، روز جهانی زن، از سال ۱۹۷۵ تا قوت، نقش مهمی در مبارزات زنان شیلی ایفا کرده است. مراسم‌های گوناگون مناسبت برگزار می‌شود. روح مبارزه جوشی حاکم است و به زنان امید و اعتماد به پیروزی می‌بخشد. پیکار در این راه آسان نیست. چه بسیارند مبارزانی که در راه کسب حقوق زنان و دمکراسی، قهرمانانه از پا درآمدند. ما خاطره «مارتا اوگارتو» لوموسی فیلیا، دوتن از زمره این زنان را که وحشیانه به قتل رسیدند، گرامی می‌داریم - یاد آنسان و هزاران مبارز دیگر، در خاطر مردم شیلی برای ابد زنده خواهد ماند.

گرچه در اثر کودتای نظامی سازمانهای دمکراتیک در شیلی سرکوب شدند، ولی به جای این نهادها چنان تشکیلات نهیونی پای به عرصه وجود نهاد که اکنون مبارزه در کشور را به ابعاد بی‌سابقه‌ای رسانیده است. در طی این مدت، توده مردم از جمله، زنان این کشور راه درازی در مبارزه علیه فاشیسم، پشت سر نهاد ماند. شیوه‌های مبارزه هر روز علنی‌تر می‌گردد. باردیگر، مردم کنترل بخشی از خیابانهای سانتیاگو و دیگر شهرهای بزرگ کشور را به دست گرفته‌اند. آنان با اعتراضات، اشغال ساختمان‌های مسکونی و زمین‌های بایر شهری و از طریق برپا نشانی تظاهرات و گرد آمدن در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها رژیم دیکتاتوری را به مصاف می‌طلبند. حقوق زندگی در میهن، اکنون به خواست کلیه سازمان‌ها مبدل شده است. زنان، با ترتیب دادن اعتصاب غذا (شکلی از اعتراض خلقی، نسبت به سیاست بحران زای رژیم) و با شعار "نان، عدالت و آزادی، خیابانها را به عرصه مبارزه بدل می‌کنند."

اکنون زنان شیلی، دوشادوش مردان پیکار می‌کنند و پیوسته به اشکال نوین مبارزه دست می‌یابند. تجارب این سالها، زنان شیلی را متقاعد ساخته که تنها بر حق بودن کافی نیست، بلکه باید نیروی لازم برای کسب حقوق حقه را نیز به دست آورد، رژیم فاشیستی را سرنگون کرد و به خاطر استقرار حکومتی که دیکتاتوری نظامی را در این کشور از بن برکنند، مبارزه کرد.

نبرد زنان شیلی، علیه دیکتاتوری...



در شیلی، کشوری که بیش از ده سال پیش، حفاقتان خون آشام به فضای دیکتاتوریک آن حمله بردند و آشیانه دیکتاتوری را ویران ساختند، اکنون زمره‌های امیدبخش مبارزه، بسوی سرود پر خروش پیروزی بدل می‌شود.

جو خفقانی که متعاقب کودتای نظامیان در شیلی تصویر می‌شود، شباهت زیادی به هسواوی آلوده و غیرقابل استنشاقی دارد که امروز بر میهن ما سنگینی می‌کند. تاریخ مبارزات مردم نشان می‌دهد که سفاک‌ترین رژیم‌های دیکتاتوری نیز، سرانجام در برابر اراده خلق به زانو در خواهند آمد.

مبارزه زنان شیلی بر ضد فاشیسم، متعاقب کودتای نظامی ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ (۲۰ شهریور) آغاز شد. هیچ‌کس خاطره زنانی را که در بیماران موند (مقرریا سیست جمهوری) در کنار سالوادور آلینده ایستادند و مقاومت کردند، فراموش نکرده است. یکی از این زنان، بیاتریسی آلینده، دختر رئیس‌جمهور شهید است که باردار هم بسود.

صفحه دیگری از تاریخ این مقاومت توسط زنانی نوشته شد که روز ۱۱ سپتامبر، در کارخانه‌ها، ادارات، دانشگاه‌ها و غیره، دست‌از کار نکشیدند و مصمانه به دفاع از حکومت مردمی برخاستند.

فاشیست‌ها، به دنبال اقدامات ضد انقلابی خود و کسب قدرت مطلق، در صد در صد سرکوب تمام و کمال جنبش نیرومند خلق که زنان و سازمان‌های آنان، همواره یکی از ارکان اساسی جنبش‌پایداری بودند، برآمدند. با توجه به دستگاه عریض و طویل سرکوبگر حکومت سرکوب‌نهادهای مردمی و دیکتاتوریک، آسان به نظر می‌رسید.

اما آن‌چه در حساب فاشیسم نمی‌گنجید، نیروی لایزال و درجه آگاهی خلق شیلی بود که از همان نخستین ساعات یورش فاشیسم قدرت خود را به نمایش گذاشت.

ظرفی این دوره، نهاد‌های اجتماعی، احزاب و جنبش‌های سیاسی، علی‌رغم ضرباتی که متحمل

شدند، ساختار خویش را حفظ کردند و بنا بر ضرورت، فعالیت‌های خود را با شرایط تحمیل شده از سوی فاشیسم، تطبیق دادند.

دیکتاتورهای شیلی، پرچم دفاع از حقوق بشر را برافراشتند. افشای شکنجه‌ها و رفتار خشن زندانیان در دوران بازداشت که از جانب دیکتاتور صورت می‌گرفت بر شواهد و مدارک مدلل استوار بود و گاه شهید، اخبار موثق را همراه خود به بیرون از زندان‌ها منتقل می‌کردند. زنانی که طعم شکنجه را چشیده بودند، با شجاعت تمام و با به خطر انداختن زندگی خود، اسرار درون زندان‌ها را که باعث رسوائی رژیم می‌شد، در ملا عام فاش می‌ساختند.

در این مرحله دشوار، بستگان، هزاران انسانی که بازداشت شده، به قتل رسیده، تبعید گردیده و یا مفقود الاثر شده بودند، فعالیت‌خستگی‌ناپذیری را آغاز کردند. نخستین جوانه‌های همکاری برای به وجود آوردن سازمانی که علیه دستگیران مبارزه کند، از میان درد و ماتم روئید.

گروهی از زنان در مرکز کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریدای لاتین، دست به یک اعتصاب غذای ده روزه زدند و رسیدگی به وضع خویشاوندان نشان را خواستار شدند. این اولین مقابله علنی با رژیم بود. علی‌رغم تضيیقات، اقدامات اعتراضی ادامه یافت. زنان در تظاهرات آرام خیابانی، در حالی که تصاویری از بستگان خود را حمل می‌کردند، شرکت نمودند. مسافران، همسران و دختران بازداشتی‌ها و گم‌شدگان، خود را با زنجیر به ساختمان پارلمان بستند. آنان هم چنین کمیته‌ای جهت بازگشت تبعیدشدگان تأسیس کردند.

اکنون، در این مرحله، مبارزه علیه فاشیسم، زنان با فداکاری بی‌نظیری، به تهیه غذا در محله‌های فقیرنشین می‌پردازند. این غذا به بچه‌های اولین قربانیان بحران اقتصادی شیلی که حتی از خوردن یک وعده غذای گرم در خانه هم محرومند، داده می‌شود. در کارگاه‌های صنایع دستی هنری و حتی در زندان‌ها، به کمک وسائل

ابتدائی، اولین سمبل‌های مقاومت پدید می‌آید. این طرح‌های ساده که از پشم یا پارچه تهیه شده، در سراسر جهان به عنوان سلاح مبارزه علیه فاشیسم، معروفیت دارد. انگلستان مجرب خلق شیلی، از گونی شاهکارهای هنری می‌آفریند که بیانگر احساس واقعی مردم تحت ستم این کشور است. این آثار خلق، در عین حال نشان‌دهنده بیناری، گرسنگی و فقر است که مردم تحمل می‌کنند.

از سالها پیش اولین اشکال مخالفت علنی با رژیم، به تدریج سازمان داده شد. اکثریت فعالین را زنان تشکیل می‌دهند. این اقدامات روز به روز وسعت می‌گیرد. جنبش زنان در حال تکوین است. زنان نه تنها به افشای ماهیت رژیم و پایمال کردن حقوق بشر از طرف کودتاچیان دست می‌زنند، بلکه خواستار مراعات حقوق حقه خویش‌اند و از این نیز فراتر رفته، علت اساسی بدبختی و فلاکت مردم شیلی را در وجود رژیم فاشیستی این کشور مدلل می‌سازند.

ظرفی این دوران، "کمیته هم‌آهنگی سراسری سندیکاها" تشکیل شد. بخش زنان "کمیته" در برگیرنده زنان عضو و غیر عضو سندیکاها بود و بدین ترتیب موفق شد توده عظیم زنان را به هماری جلب نماید. این بخش از کمیته، علی‌رغم فشار و سرکوب وحشیانه و غیرقانونی بودن آن، هر سال گرد هم آتی‌هایی در سطح ملی ترتیب می‌دهد که در آن اقشار مختلف زنان، کارگر، روستائی، خانه‌دار، کارمند، آموزگار، نویسنده و هنرمند شرکت می‌کنند و تأثیر سیاست بحران زای رژیم در زندگی اجتماعی زنان را بررسی و برنامه مبارزاتی آتی را تدوین می‌نمایند.

در یکی از اسناد گرد هم آئی سال ۱۹۸۱ که منشور زنان شیلی، بر اساس آن طرح ریزی شد، چنین می‌خوانیم:

"کسی برای غذا، کار و آزادی، التماس یا گدائی نمی‌کند. این‌ها، حقوقی است که هیچ انسان با شعوری قادر به چشم پوشی از بقیه در صفحه ۳